

فہم قرآن حکیم



تفسیر سورہ های قرآن
بر اساس ترتیب نزول



محمد عابد الجابری

ترجمہ محسن آرمین



نشرنی

• **سرشناسه:** الجابری، محمدعابد، ۱۹۳۶-۲۰۱۰ م. Jabiri, Muhammad Abid • **سرشناسه:** فهم القرآن الحکیم: التفسیر الواضح حسب ترتیب النزول، فارسی • **عنوان و نام پدیدآور:** فهم قرآن حکیم: تفسیر سوره‌های قرآن بر اساس ترتیب نزول / محمدعابد الجابری؛ ترجمه محسن آرمین. • **مشخصات نشر:** تهران، نشرنی، ۱۳۹۹ • **نوبت چاپ:** چاپ اول، ۱۴۰۰ • **مشخصات ظاهری:** ج ۳ • **شابک:** دوره: ۵-۲۵۴-۰۶-۶۲۲-۹۷۸؛ ج ۱: ۸-۲۵۳-۰۶-۶۲۲-۹۷۸؛ ج ۲: ۲-۲۵۵-۰۶-۶۲۲-۹۷۸؛ ج ۳: ۰-۳۵۸-۰۶-۶۲۲-۹۷۸ • **وضعیت فهرست‌نویسی:** فایا • **یادداشت:** ج ۳ (چاپ اول: ۱۴۰۰) (فیبیا)؛ کتابنامه؛ نمایه • **عنوان دیگر:** تفسیر سوره‌های قرآن بر اساس ترتیب نزول. • **موضوع:** تفاسیر اهل سنت؛ Qur'an - *Sunnite hermeneutics • **شناسه افزوده:** آرمین، محسن ۱۳۳۳-، مترجم؛ ایمانی مرنی، نرگس، ۱۳۶۳-، ویراستار. • **رده‌بندی کنگره:** BP۹۸ • **رده‌بندی دیویی:** ۲۹۷/۱۷۹ • **شماره کتابشناسی ملی:** ۵۸۸۵۹۳۷ • **اطلاعات رکورد کتابشناسی:** فایا.

قیمت: ۱۸۰۰۰۰ تومان



نشرنی

فهم قرآن حکیم

تفسیر سوره‌های قرآن بر اساس ترتیب نزول

محمد عابد الجابری

جلد سوم

مترجم: محسن آرمین

ویراستار: نرگس ایمانی مرنی

نمایه‌ساز: بهنام رضائی نژاد

صفحه‌آرا: فرزاد قرائتی

لیتوگرافی: باختر • چاپ: غزال • صحافی: معین

چاپ اول: تهران، ۱۴۰۰، ۲۲۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۶-۰۳۵۸-۰

نشانی: تهران، خیابان دکتر فاطمی، خیابان رهی معیری، تقاطع خیابان فکوری، شماره ۲۰

کد پستی: ۱۴۱۳۷۱۷۳۷۱، تلفن دفتر نشر: ۸۸۰۲۱۲۱۴، تلفن واحد فروش: ۹-۸۸۰۴۶۵۸، نامبر: ۸۹۷۸۲۴۶۴

www.nashreyny.com • email: info@nashreyny.com • nashreyny

© تمامی حقوق این اثر برای نشرنی محفوظ است. هرگونه استفاده تجاری از این اثر یا تکثیر آن، کلاً و جزئاً، به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار: پیامبر در مدینه
۴۷	سخن آغازین
۵۱	۹۱. سوره بقره
۱۴۴	تکمله و چشم اندازی به موضوع: مسئله نسخ در قرآن
۱۷۰	۹۲. سوره قدر
۱۷۷	۹۳. سوره انفال
۲۰۹	۹۴. سوره آل عمران
۲۶۴	تکمله و چشم اندازی به موضوع: محکم و متشابه
۲۹۰	۹۵. سوره احزاب
۳۱۳	تکمله و چشم اندازی به موضوع: زنان پیامبر
۳۲۳	۹۶. سوره ممتحنه
۳۳۱	۹۷. سوره نساء
۴۰۳	تکمله و چشم اندازی به موضوع: درباره ازدواج موقت
۴۱۰	۹۸. سوره حدید
۴۲۳	۹۹. سوره محمد

پیشگفتار پیامبر در مدینه

قبل از هر چیز باید یادآور شویم در پیشگفتار حاضر به ذکر مطالبی خواهیم پرداخت که پیش از این در کتاب دیگر ما یعنی *العقل السياسي العربي*^۱ منتشر شده است. در آن کتاب، مستند ما کتاب‌های تفسیری و سیره و آثار مورخان بود، ضمن آن که به طور کلی به ترتیب نزول سوره‌های قرآن و جریان سیره نبوی نیز توجه داشتیم. با این حال، مطالعه این مطالب در کتاب مذکور خواننده را از خواندن آن در این جا بی‌نیاز نمی‌کند؛ نه فقط به این دلیل که در این جا بعضاً نکات و توضیح‌هایی بر آن افزوده‌ایم، بلکه همچنین به این دلیل که یادآوری آن مطالب برای پیگیری کاربست روشی که در دو جلد گذشته مبنای کار ما بوده است، ضروری است. مقصودم از روش در نظر داشتن هماهنگی و مطابقت جریان نزول وحی با سیر دعوت است. کاربست این روش در سوره‌های قرآن مدنی بدون ذکر مقدمه‌ای عام درباره هماهنگی و همراهی میان این دو جریان ممکن نخواهد بود.

در قرآن مکی روی سخن یا به سوی پیامبر (ص) بود و یا متوجه مشرکان — به مثابه دو طرف اصلی — و یا متوجه مسلمانان اعم از مسلمانان اولیه و جدید. و همان‌گونه که دیدیم، تفکیک قرآن مکی به شش دوره امری کاملاً ممکن بود، اما قرآن مدنی چه در سطح

۱. محمد عابد الجابری، *العقل السياسي العربي: محدثاته و تجلیاته*، نقد العقل العربي، ۳، بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربية، ۱۹۹۰.

جریان نزول وحی و چه در سطح مسیر دعوت همپای آن، که همراه فرایند برپایی دولت است، یک مرحله را تشکیل می‌دهد که در دل آن مراحل و مقاطع مختلف با یکدیگر درآمیخته‌اند. تعداد مخاطبان قرآن مدنی اما افزون‌تر است. بدین معنا که در قرآن مدنی علاوه بر گفتار خطاب به پیغمبر (ص)، با گفتارهای دیگری مواجه هستیم که مشرکان، یهود و مسیحیان، گروه جدیدی که قرآن از آن‌ها با عنوان منافقین یاد می‌کند، اعراب بیابانگرد، و مؤمنان راستین را مخاطب قرار می‌دهد. همچنین قرآن مدنی حاوی گفتارهای تشویق‌کننده جنگ، دعوت‌کننده به غم و تسامح، و گفتارهایی خطاب به دیگر گروه‌های مسلمانان نظیر «قاعدین» و «متخلفین» و... زنان مؤمن و همسران پیامبر و... است.

آنچه گفتیم درباره مخاطبان گفتارهای قرآن مدنی بود، اما در سطح جریان دعوت و بنیاد نهادن دولت پیچیدگی و تداخل به مراتب بیشتر و گسترده‌تر است. در مکه — شهری که پیامبر سیزده سال را دو فاصله بعثت تا هجرت در آن گذراند — آن حضرت وضعیت‌های مشخصی داشت. با همجنون دیگر افراد قومش از آزادی برخوردار بود، یا در هنگام دعوت و عبادت ناگزیر از پنهان‌کاری بود (خانه ابن ارقم)، یا تحت حمایت عمومی خود ابوطالب قرار داشت، یا به همراه خاندانش در شعب ابوطالب واقع در کوه‌های مشرف به مکه محاصره بود، و یا در مراسم و بازارهای سالانه خود را به قبایل عرضه می‌کرد... اما دوره مدینه — شهری که پیامبر ده سال از عمرش را تا هنگام وفات در آنجا گذراند — مملو از انواع حوادث بود، به طوری که به سختی می‌توان هماهنگی و همپایی جریان نزول و جریان دعوت را با ترتیب نزول سوره‌های قرآن در مورد آن‌ها تشخیص داد، چرا که برخی از سوره‌های مدنی شامل آیاتی هستند که گفته می‌شود در زمان‌های مختلف اما به صورت گروه‌های آیات متراحم نازل شده‌اند. بر اساس روایتی که از ابن عباس نقل شده است، هر گاه آیه‌ای نازل می‌شد پیامبر (ص) به کاتبان وحی می‌فرمود آن را در فلان سوره قرار دهند.^۱ بر این اساس، برخی از مفسران به‌ویژه ابن

۱. طبری، جامع‌البیان فی تفسیر القرآن، ۱: ۳۴؛ حاکم نیشاپوری، المستدرک، ۲ (کتاب التفسیر: باب وجه افتراق سوره الانفال بالبیرانه): ۲۴۱؛ زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۱: ۳۲۵؛ معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱: ۲۷۷.

عاشور معتقد شده‌اند که پرونده سوره‌های قرآن — دست‌کم سوره‌های بلند قرآن — همچنان مفتوح می‌ماند و هر از گاهی به دستور پیامبر آیاتی به آن‌ها اضافه می‌گردید. گاه می‌شد که سوره‌ای به پایان می‌رسید اما سوره پیش از آن همچنان مفتوح بود و برعکس. صاحبان این نظر می‌کوشند با استناد به این واقعیت، به اختلاف میان مفاد آیات یک سوره با آیات سوره دیگر که در فواصل زمانی نزدیک یا دور از یکدیگر نازل شده‌اند، صورتی معقول ببخشند. اما معتقدان به «نسخ»، پدیده اختلاف میان آیات را مجال مناسبی یافته‌اند تا آیات مغایر و گاه اجزای یک آیه را مصداق ناسخ و منسوخ بدانند و در این کار گاه چنان افراط کردند که وحدت سیاق و ارتباط میان جملات و عبارات را کاملاً نادیده گرفتند.

به‌منظور آسان‌سازی درک این پیچیدگی‌ها و درهم‌آمیختگی‌ها — که متأسفانه روایاتی که آشکارا متکی به ظن و گمان هستند و نه حقایق تاریخی، بر میزان آن افزوده‌اند — بهتر آن دیدیم که پیش از تعامل با متن قرآن مدنی، تصویری هرچند مجمل از جریان نزول وحی و مسیر دعوت در دوران مدنی به دست دهیم.

۱. رسول در مدینه: مسئله معیشت؛ اولین قضیه، اولین خطبه

در جلد دوم این کتاب، در قسمت شرح سوره حج که مطابق فهرست ترتیب نزول ما آخرین سوره نازله در مکه است، پیامبر (ص) را در حالی ترک کردیم که در میان استقبال گرم بخش عظیمی از ساکنان یشرب (مدینه) یعنی اوس و خزرج وارد این شهر شد. تا آن‌جا که می‌دانیم، در منابع تاریخی گزارشی وجود ندارد که ما را از موضع یهود مدینه — که بخش بزرگی از ساکنان این شهر را تشکیل می‌دادند — در قبال این رخداد آگاه کند. به هر حال، اولین مسئله‌ای که پیامبر در مدینه با آن مواجه بود، ساماندهی معیشت مهاجرانی بود که پیش از هجرت آن حضرت و بلافاصله پس از آن، اموال و خانه و کاشانه خود را در مکه رها کرده و رهسپار مدینه شده بودند. اولین خطبه پیامبر پس از رسیدن به مدینه به‌روشنی از اهتمام پیامبر به این موضوع حکایت دارد، چرا که تمام

خطبه را به این موضوع اختصاص داد. پس از حمد خداوند فرمود: «اما بعد... ای مردم [در این دنیا آن چه را که در آخرت به کار شما خواهد آمد] برای خودتان پیش بفرستید. بدانید که به خدا قسم یقیناً هر یک از شما روزی مرگش فرا می‌رسد و رمه خود را بدون چوپان بر جای خواهد گذاشت. آن گاه پروردگارش که سخنگو و حاجب و دربانی ندارد به او گوید: مگر فرستاده من نیامد و به تو ابلاغ نکرد؟ مگر تو را ثروت ندادم و بر تو فزونی نبخشیدم، حال برای خویش چه پیش فرستاده‌ای؟ و او به اطرافش می‌نگرد و هیچ چیز نمی‌بیند. به روبه‌رویش می‌نگرد و چیزی جز دوزخ نمی‌بیند. پس هر که می‌تواند ولو به تکه‌ای از خرما خود را از آتش مصون بدارد، چنین کند و هر کس چیزی ندارد با سخن نیکو خود را از آتش حفظ کند، زیرا که به هر کار نیکی ده برابر تا هفتاد برابر پاداش داده خواهد شد. و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.»^۱

این سخنان فراخوانی روشن به همبستگی و مسئولیت متقابل میان مسلمانان، میان مهاجران و انصار، بود. مهاجران بر برادران دینی خود انصار وارد شده بودند و در منازل آنان میهمان بودند. پیامبر (ص) برای این که این فراخوان را به صورت یک واقعیت اجتماعی ملموس تجسم بخشد، نهاد «اخوت» را پایه‌گذاری کرد. میان مهاجران با یکدیگر و میان ایشان و انصار پیمان برادری بست. مبنای این پیمان «حق و مساوات» بود که شامل حق وراثت می‌شد. در نتیجه، هر کس از فرد دیگری که با او پیمان برادری بسته بود ارث می‌برد، هر چند که از خویشاوندان او نبود. برادری دینی این جا جانشین برادری نسبی و خونی می‌شود و به این ترتیب، «امت» و «آیین» جانشین قبیله و عشیره شد.

با این حال، عبور از «قبیله» به صورت کامل و نهایی ممکن نبود، از این رو فراخوان به «امت» همچنان در مراحل اولیه خود قرار داشت و به نحوی اجتناب‌ناپذیر آثاری از عامل «قبیله» همچنان باقی می‌ماند. مهاجران دارای قبیله به‌عنوان دوست یا خویشاوند و... به خانه‌های انصار دارای قبیله وارد شدند. اما مهاجران فقیر که قبیله‌ای نداشتند همان مستضعفانی که بیشترشان بردگان قریش بودند و ما در مرحله مکی از آن‌ها سخن

۱. ابن هشام، السیره النبویه، ۱: ۵۰۰-۵۰۱.

گفتیم، به اجازه پیامبر در «صُفّه»، مکانی مسقف از مسجد پیامبر، استقرار یافتند و به اصحاب صفة معروف شدند و پیغمبر و اصحاب توانگر مسئولیت اطعام آنان را بر عهده گرفتند. ابوذر غفاری، عمار بن یاسر و مقداد و ابو حذیفة بن یمان و... از این گروه بودند.^۱

۲. مسئله همزیستی: قرارداد اجتماعی جدید

پس از مسئله معیشت، دومین مسئله‌ای که پیامبر پس از ورود به مدینه با آن مواجه بود مسئله همزیستی میان گروه‌های مختلفی بود که اهل مدینه به شمار می‌آمدند، چرا که بدون وجود مناسباتی که همزیستی مسالمت‌آمیز و بلکه همکاری و همبستگی میان این گروه‌ها را تضمین کند پیگیری هدفی که پیامبر برای آن به مدینه هجرت کرده بود، ممکن نمی‌شد. «سند» / معاهده‌ای که پیامبر برای تنظیم روابط میان مهاجران و انصار و یهود نوشت، باید از این منظر مطالعه شود، نه مانند بسیاری از پژوهشگران و نویسندگان عرب و خاورشناس معاصر که در خارج از بافت تاریخی و فضای ذهنی شکل‌گیری سند به مطالعه آن پرداخته‌اند. درست‌ترین تعریفی که از این سند به دست داده شده از ابن اسحاق است که گفته است: «رسول خداوند میان مهاجران و انصار سندی تنظیم کرد که حاوی پیمانی با یهود نیز بود. پیامبر به موجب این سند ایشان را به رسمیت شناخت و اموالشان را محترم دانست و حقوق متقابلی را میان ایشان و مسلمانان تنظیم کرد.»^۲ بنابراین، سند مذکور از نظر سیاسی معاهده‌ای میان پیامبر (ص) و یهود بود، اما از نظر مضمون کلی قراردادی اجتماعی برای همه اهالی مدینه محسوب می‌شد. متن سند که بر اساس موضوع در بندهای مختلف مرتب کرده‌ایم، به شرح زیر است:

الف) سند با تعریف هویت طرف اول معاهده این چنین آغاز می‌شود: «بسم الله الرحمن الرحیم. این پیمانی است از محمد پیامبر خدا میان مؤمنان و مسلمانان قریش و یثرب و کسانی که از آنان پیروی کرده به آنان پیوستند و با آنان مجاهدت کردند. آنان امتی

۱. ابن هشام، السیرة النبویة، ۱: ۲۵۵-۲۵۶.

۲. همان، ۱: ۵۰۱.

واحد هستند با هویتی متفاوت از دیگر مردمان.» به این ترتیب، طرف اول این پیمان دو گروه‌اند: «مؤمنان» و «مسلمانان» (از قریش و یثرب و کسانی که به آنان پیوسته‌اند)؛ این تفکیک میان «مؤمن» و «مسلمان» در آن زمان حاوی معنای ویژه‌ای بود.

آیه‌ای که پس از این نازل شده است، این معنا را روشن می‌سازد: «قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ نُؤْمِنُوا وَ لَكِنْ قَوْلُوا أَسْلَمْنَا وَ لَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ إِن تَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئاً إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»^۱ (حجرات: ۱۴). آیه بعد هویت مؤمن را تعریف می‌کند: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَزِنُوا وَ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ»^۲ (حجرات: ۱۴-۱۵)؛ اما کسی که تنها «مسلمان» است، کسی است که تابعیت خود را از اسلام اعلام کرده است. او ممکن است چیزی را آشکار کند که در ضمیر خویش بدان باور ندارد. به زبان امروز می‌توان گفت، «مؤمن» کسی است که اسلامش عقیدتی است، یعنی از سرِ باور مسلمان است و در نتیجه او در «امت»ی که بر اساس عقیده شکل گرفته است «شهروند» محسوب می‌شود، اما کسی که صرفاً «مسلم» است اسلامش «سیاسی» است، یعنی دین جدید و حاکمیت دولت آن را به رسمیت می‌شناسد و می‌پذیرد و واقعیت مدینه در آن زمان این برداشت را تأیید می‌کند. گروهی از جامعه مدینه مؤمنانی راستین بودند، یعنی همان مهاجران و انصار. گروه دیگر «منافقان» بودند. اینان آن دسته از ساکنان یثرب بودند که اظهار اسلام کردند اما دشمنی و کینه پیامبر و یارانش را در دل داشتند، در عین حال با توجه به این که اسلام خود را اعلان کرده بودند، عنوان اسلام آنان را با مهاجران و انصار جزو «امت» (ملت) واحد قرار می‌داد. این هویت جدید یعنی «امت» واحد در برابر «دیگری» تعریف می‌شد، که چنان که خواهیم دید شامل مشرکان و یهود بود.

۱. [برخی از] بادیه‌نشینان گفتند ایمان آوردیم، بگو ایمان نیاورده‌اید، لیکن بگوید اسلام آوردیم، و هنوز در دل‌های شما ایمان داخل نشده است، و اگر خدا و پیامبر او را فرمان برید از [ارزش] کرده‌هایتان چیزی کم نمی‌کند، خدا آمرزنده مهربان است.
۲. در حقیقت، مؤمنان کسانی‌اند که به خدا و پیامبر او گرویده و [دیگر] شک نیاورده و با مال و جان‌شان در راه خدا جهاد کرده‌اند، اینان‌اند که راست‌کردارند.